

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاهی به بحران سازی ها و شکست های اخیر جبهه استکبار

## افغانستان، یمن و اوکراین مثلث بن بست غرب



گفت و گو با دکتر مسعود اسداللهی

کارشناس و تحلیلگر مسائل

بین المللی و منطقه

تحلیل و تبیین

KHAMENEI.IR



طراحی و تنظیم: پایگاه نمو

[www.nomov.ir](http://www.nomov.ir)

رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران با تأکید بر ظلم حاکم بر دنیای امروز به برخی از نمونه‌ها اشاره کردند: «شما به قضایای افغانستان مراجعه کنید، ملاحظه کنید، نگاه کنید، کیفیت خروج آمریکایی‌ها [را ببینید]؛ اولاً بیست سال در افغانستان ماندند و چه کردند در این کشور مظلوم مسلمان؛ بعد هم چه جور بیرون رفتند و چه مشکلاتی را برای مردم به وجود آوردند؛ و اموال ملت افغانستان را هم به آنها نمیدهند! این افغانستان است؛ آن اوکراین است که رئیس‌جمهورش خطاب به غرب — که خود غربی‌ها و دولتهای غربی او را سر کار آوردند — چه لحن تندی را به کار میبرد؛ این قضایای یمن است و بمباران هرروزی مردم مظلوم و واقعاً مقاوم یمن؛ این کارهای عربستان است که در یک روز هشتاد نفر را گردن بزنند!» حوادثی که حقانیت ملت ایران در مبارزه با استکبار را نشان می‌دهد. رسانه‌ی KHAMENEI.IR در گفت‌وگو با **دکتر مسعود اسداللهی، کارشناس و تحلیلگر مسائل بین‌المللی و منطقه‌نگاهی به بحران‌سازی جبهه استکبار در افغانستان، جنگ هشت ساله علیه مردم یمن و بحران اوکراین** داشته است.

\* رهبر انقلاب در سخنرانی اول فروردین به ایستادگی ملت ایران در برابر استکبار، موضوع افغانستان و خسارات غرب، عربستان و یمن و ماجرای اوکراین اشاره کردند تا به نوعی از منافع و سود ایستادگی ملت ایران در برابر غرب در چهل و سه سال اخیر بگویند. تحلیل شما در مورد نقش آفرینی غرب و استکبار در این اتفاقات ذکر شده چیست؟

\* این رویدادها در دوره ای اتفاق افتاده که آمریکایی ها معتقد بودند بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظام جدیدی حاکم شده که نظامی تک قطبی است و آن قطب هم آمریکاست که خود را تنها قدرت برتر دنیا می داند و فارغ از هر نوع قیدوبندی در خصوص قوانین بین الملل، روابط بین الملل و حتی بحث های اخلاقی، خودش را در هیچ چهارچوبی قرار نمی دهد و تنها منافع برایش مهم است. البته آمریکایی ها تمام سیاست های تجاوزگرانه خود را تحت عنوان تأمین منافع ملی آمریکا در داخل و خارج از این کشور تبلیغ می کنند، اما واقعیت مطلب منافع ملی آمریکا نیست. بسیاری از مردم آمریکا اصولاً نه خبری و نه تأثیری بر روند تصمیم گیری ها دارند. در واقع، منافع طبقه سرمایه دار در صنایع تسلیحاتی، بانکی و بیمه حاکم بر آمریکا و به طور کلی آن طبقه بسیار مرفه و پولدار که ثروت های نجومی دارند، اقتضاء می کند که دولت

آمریکا (از هر حزبی که باشد) در جهت تأمین منافع این افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها حرکت کند.

در آن مقطع بعد از حادثه یازده سپتامبر، آمریکا تحت عنوان مبارزه علیه تروریسم به افغانستان حمله کرد و حکومت اول طالبان را سرنگون کرد و به قول خودش دموکراسی را به افغانستان هدیه داد. **بیست سال تمام آمریکایی‌ها در افغانستان حاکم و مستقر بودند.** تعداد بسیار زیادی نظامی و افسران امنیتی، سفارتخانه‌ای بزرگ با تعداد بسیار زیادی آمریکایی تحت پوشش دیپلمات بر سرنوشت افغانستان حاکم بودند اما پس از بیست سال، وعده‌هایی که آمریکایی‌ها می‌دادند به هیچ عنوان محقق نشد و علاوه بر اینکه دموکراسی در افغانستان حاکم نشد، حکومت‌های فاسدی مثل حکومت اشرف غنی بر این کشور حاکم شد. هیچ نوع توسعه معناداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی و زیرساختی در افغانستان اتفاق نیفتاد و بسیاری از مردم افغانستان در زمان حاکمیت آمریکا از این کشور مهاجرت کرده و به کشورهای مختلف دنیا رفتند و ترجیح دادند که از کشور خودشان خارج بشوند. در واقع، حاضر شدند رنج مهاجرت را تحمل کنند، اما در حکومتی که توسط آمریکایی‌ها سر کار آمده بود، باقی نمانند.

در این بیست سال، همان گروه طالبانی که توسط آمریکایی‌ها سرنگون شده بود به تدریج توانست خودش را بازیابی و شروع به پیشروی کند. آمریکایی‌ها همراه ناتو به افغانستان رفته بودند و تمام اعضای ناتو در افغانستان حضور داشتند، اما در نهایت مجبور شدند در دوران ترامپ با طالبان وارد مذاکره بشوند که این خودش اولین شکست بود، چرا که به طالبان مشروعیت داد و از طرف آمریکایی‌ها به رسمیت شناخته شد؛ اما بعداً معلوم شد که اصل این مذاکره برای گرفتن تضمین از طالبان بوده تا در زمان خروج آمریکایی‌ها از افغانستان، طالبان به آن‌ها حمله نکند؛ یعنی به طور کامل ملت افغانستان و حتی آن افراد شیفته غرب و غربزده‌های افغانی را به حال خودشان رها کرده و فقط نیروهای خودشان را نجات دادند.

حتی بالاتر از این،  
آمریکا در این  
خروج (فرار)  
هم‌پیمانان خودشان  
را هم خبر نکرد؛  
یعنی یک تصمیم  
کاملاً یک‌جانبه



**گرفته شد.** زمانی که می‌خواستند به افغانستان حمله کنند، تصمیم دسته‌جمعی در ناتو گرفته شد، بحث شد و سپس تصمیم‌گیری و حمله شد؛ اما در عقب‌نشینی و یا به تعبیر دقیق‌تر فرار آمریکایی‌ها هیچ مشورتی با هم‌پیمانان خود انجام نداد و با آن مدل مفتضحانه فرار کرد؛ فراری که میلیارد‌ها دلار سلاح و تجهیزات را روی زمین برای طالبان باقی گذاشت. افرادی که با آمریکایی‌ها در آن بیست سال کار می‌کردند، با چه وضعی به آمریکایی‌ها متوسل می‌شدند و حتی به هواپیماهای نظامی آمریکا آویزان می‌شدند که خودشان را نجات بدهند که عملاً هم نجاتی در کار نبود.

**\*در واقع این تجربه ثابت کرد که آمریکا بعد از دو دهه حضور در افغانستان نه تنها به بهبود شرایط این کشور کمکی نکرد بلکه اوضاع را بدتر نیز کرد.**

**\*بله.** آمریکایی‌ها اگر سال‌های طولانی در کشوری حضور داشته باشند، به دنبال آباد کردن و عمران و توسعه آن کشور نخواهند بود. **آمریکایی‌ها در هر منطقه‌ای به دنبال حضور نظامی و امنیتی هستند و آن کشور را تبدیل به کانون بحران برای همسایه‌ها تبدیل می‌کنند.** در افغانستان آمریکایی‌ها با ایجاد پایگاه‌های مختلف سعی می‌کردند که افراد عضو گروهک‌های مختلف ضدنظام جمهوری اسلامی را به افغانستان برده و آموزش داده، مسلح و سازماندهی کنند؛ یعنی فقط به افغانستان به عنوان

پایگاه نظامی-امنیتی نگاه می‌کردند. نتیجه‌اش هم آن، شکست مفتضحانه شد. آمریکایی‌ها هیچ‌وقت توسعه و پیشرفت را برای دیگر کشورها نمی‌خواهند. هر آنچه می‌خواهند برای خودشان است و آن‌هم برای آن طبقه سرمایه‌دار حاکم، نه برای ملت و شهروندان عادی خودشان که اتفاقاً همین شهروندان عادی آمریکا در قالب ارتش آمریکا به افغانستان آمده و کشته و مجروح و قطع عضو شدند و بسیاری از آن‌ها دچار بیماری‌های روحی-روانی گردیدند. در واقع، آن‌ها بهای این نوع تجاوزگری را پرداخت می‌کنند ولی سود آن در جیب سرمایه‌دارها و کمپانی‌های بزرگ می‌رود.

**\* حوادث مرتبط با یمن و تجاوزات عربستان به این کشور مظلوم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

\* از زمانی که ملک سلمان در عربستان سعودی به قدرت رسیده، پسرش محمد بن سلمان، عملاً همه‌کاره نظام آل سعود شده و این هم‌زمان با تغییر و تحولات در آمریکا شد، سال آخر دولت اوباما بود و از آنجا به بعد یک جنگ نابرابر و تجاوزکارانه‌ای را آل سعود به مردم مستضعف یمن تحمیل کردند، با این تصور که چون یمن ضعیف‌ترین کشور عربی از نظر اقتصاد است، به سرعت از پا درمی‌آید و عربستان می‌تواند فتح

**بزرگی انجام بدهد** و محمد بن سلمان می تواند کاملاً پایه های پادشاهی خودش را به عنوان فاتح محکم کند.

البته یمن به علت های مختلف برای عربستان مهم بوده و هست. یمن منابع نفت و گاز زیادی دارد که بسیاری از آن، تا کنون استخراج نشده است. سواحل بسیار طولانی یمن در دو طرف تنگه باب المندب (جنوب در دریای عرب و غرب در دریای سرخ) دارد که موقعیت بسیار استراتژیکی و راهبردی را به هر دولتی می دهد که بر یمن حاکم باشد و تنگه باب المندب عملاً تحت حاکمیت آن دولت خواهد درآمد. عربستان با این نیت ها و برای اینکه نگذارد یمن به رقیب جدی برای آل سعود تبدیل شود، حمله کرد؛ چراکه یمن هم از نظر جمعیتی، هم از نظر منابع طبیعی و هم از نظر جغرافیای سیاسی، توان رقابت با عربستان را دارد. یمن از نظر تاریخی نیز در میان کشورهای شبه جزیره عربستان، تنها کشوری است که تاریخ و تمدن بسیار طولانی دارد؛ برخلاف شیخ نشین ها که اکثراً عشایر صحرانشین بودند و تا چهل پنجاه سال پیش در خیمه ها زندگی می کردند و پابرهنه راه می رفتند و زندگی بسیار بدوی و ابتدایی داشتند.

**همه این عوامل می تواند کشور یمن را به رقیب جدی برای آل سعود در شبه جزیره عربستان تبدیل کند؛ بنابراین، عربستانی ها همواره سیاست ثابتشان این بوده که اجازه ندهند یمن قدرتمند باشد و حتی**

از وحدت یمن جنوبی و شمالی بسیار ناراضی بودند. آن زمانی که این وحدت با فروپاشی شوروی ایجاد شد، یمن جنوبی که حکومت چپ‌گرا داشت، سرنگون شد و این وحدت ایجاد شد، ولی عربستان از همان ابتدا با این وحدت مخالفت کرد و به دنبال تجزیه مجدد این کشور بوده است.

### \*عربستان برای تجزیه و گسست یمن چه اقدامی کرد؟

\*عربستان با این نیت یعنی تجزیه یمن، حمله کرد اما این حمله فقط حمله عربستان نبود، بلکه آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی علاوه بر یکی دو شیخ‌نشین کوچک مثل امارات و بحرین ائتلافی را درست کردند که قاعداً باید به راحتی در یمن به پیروزی می‌رسید؛ اما همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند ملت مظلوم و مقاوم یمن ایستادگی کرد. ایشان چرا این دو صفت بارز را مطرح کردند؟ اولاً واقعاً این ملت مظلوم است؛ چون در مقایسه با ارتش تا دندان مسلح عربستان و امارات و حمایت‌های آمریکا و اسرائیل، آن‌ها بدون توازن تسلیحاتی در حال مبارزه هستند. در واقع، قدرت نظامی یمنی‌ها با زرادخانه بسیار گسترده عربستان و امارات اصلاً قابل مقایسه نیست. واقعاً جنگ نابرابر و ظالمانه‌ای است که به این مردم مظلوم و فقیر تحمیل شده است.

عربستان با چنین ملت بسیار مقاومی مواجه شده و تمام محاسباتش اشتباه از آب درآمده است. فکر می کردند که به راحتی ظرف یکی دو هفته یمن را می گیرند. همان اشتباهی که صدام در حمله به ایران کرد و جنگ تحمیلی را علیه ایران آغاز کرد و فکر می کرد هفته اول خوزستان را می گیرد و هفته دوم به تهران می رسد. اینجا هم عربستان از تاریخ درس نگرفت و نمی گیرد. با همین نیت حمله کرد، اما الآن هفت سال از این جنگ می گذرد و یمنی ها دست بالا را دارند. این اتفاق به دلیل فرهنگ و شخصیت بسیار صبور، قانع، مبارز و سخت کوش ملت یمن رخ داد که در برابر تجاوزات سعودی مردانه ایستادند؛ مردمی که از نظر جثه خیلی ضعیف به نظر می رسند، ولی نشان دادند که واقعاً انسان های بسیار بزرگی هستند و با کمترین امکانات توانسته اند یک ائتلاف منطقه ای بین المللی را شکست بدهند؛ اما عربستانی ها نمی خواهند بپذیرند که شکست خورده اند. چرا؟ به این دلیل که در فرهنگ عشایری کشورهای شیخ نشین مثل عربستان، امارات، قطر و... آتش بس معنا نمی دهد و هر کسی تقاضا یا موافقت با آتش بس کند، شکست خورده تلقی می شود.

عربستان به دنبال آن است که به هر نحوی که شده یمنی ها را وادار کند تا ابتدا آن ها درخواست آتش بس کنند و بعد عربستان به عنوان

پیروز صحنه جنگ آتش بس را پذیرد، درحالی که وضعیت برعکس است و این عربستان و امارات هستند که الآن مهم ترین تأسیسات نظامی، اقتصادی و زیرساخت هایشان توسط موشک ها و پهپادهای یمنی مورد هدف قرار می گیرد و آن ها هستند که خواستار آتش بس اند، اما نمی خواهند این را اعلام کنند. می خواهند به نحوی پیروز از این جنگ بیرون بیایند و خب این هم غیرممکن است. ملتی که هفت سال مقاومت کرده، نمی پذیرد که پیروزی را مجانی به دشمن تجاوزکاری مثل عربستان تقدیم کند.



با توجه به این مقاومت بی نظیر ملت یمن، سناریویی از طرف جهان غرب طراحی شد که تحت عنوان پیشنهاد نماینده سازمان ملل در

امور یمن و به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، آتش بسی دو ماهه در همه جبهه‌های زمینی، دریایی و هوایی اعلام شود که قابل تمدید هم باشد و در عین حال محاصره یمن نیز پایان پذیرد. این دو موضوع در واقع شرط‌های انصارالله برای پایان دادن به جنگ بوده و در این سناریوی غربی تحت عنوان طرح سازمان ملل برای آتش بس مطرح گردیده است. عربستان که پس از ۷ سال ادامه جنگ را فاجعه‌ای برای خود دیده، بلافاصله با این آتش بس موافقت کرده و انصارالله نیز که خواسته‌های اصلی خود را تأمین شده دیده، آتش بس را قبول کرده است.

بنابراین جنگی که بدون هیچ هدف و راهبرد خاصی و بدون هیچ افق مشخصی از طرف عربستان ادامه پیدا کرده بود، تحت عنوان آتش بس متوقف شد؛ اما این ملت عظیم یمن بود که در مقابل عربستانی‌ها سر خم نکرد و دماغ عربستانی‌ها را به خاک مالید.

\*در مورد ماجرای اوکراین رهبر انقلاب در همان روزهای اول این اتفاق هم غربی‌ها را در رخداد بوجود آمده مقصر دانستند. در سخنرانی روز اول سال هم باز بر این نکته تأکید کردند. نقش آفرینی غربی‌ها در بحران اوکراین را چطور ارزیابی می‌کنید؟

\*نقش آفرینی غرب در جنگ اوکراین ماجرای طولانی دارد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد یک سری جمهوری‌های جدید، آمریکایی‌ها که در رأس ناتو قرار داشته و دارند، به دنبال این بودند که حتی روسیه فعلی را تجزیه کنند؛ چون روسیه فعلی هنوز بزرگ‌ترین کشور از نظر مساحت هست و یک ابرقدرت قدرت بزرگ هسته‌ای، نظامی و امنیتی محسوب می‌شود. این کشور همیشه می‌تواند در هر صحنه‌ای رقیب آمریکا باشد که ما در سوریه این را دیدیم. آمریکایی‌ها برای درگیر کردن روسیه سعی کردند ناتو را به سمت مرزهای روسیه فعلی گسترش بدهند و در تاریخ هم ثابت شده وقتی قدرت‌های بزرگ با هم هم‌مرز می‌شوند، جنگ اتفاق می‌افتد؛ اما در مقاطعی از تاریخ هنگامی که دولت‌های کوچک از نظر جغرافیایی به عنوان دولت‌های حائل بین دو قدرت بزرگ قرار می‌گرفتند، معمولاً بین آن دو قدرت جنگی اتفاق نمی‌افتاد و تا وقتی که بی‌طرفی آن کشور کوچک را به رسمیت می‌شناختند و وقتی از هم فاصله داشتند جنگی اتفاق نمی‌افتاد، اما وقتی به هر دلیلی یکی از این دو قدرت، آن کشور حائل را اشغال می‌کرد و یا به نحوی به خودش ضمیمه می‌کرد، جنگ بین دو قدرت بزرگ اتفاق می‌افتاد.

روس‌ها از این موضوع خیلی ناراحت بودند که ناتو در حال پیشروی به سمت مرزهای آن‌هاست؛ به خصوص اینکه توافقی بعد از فروپاشی

اتحاد جماهیر شوروی حاصل شده بود که اوکراین کشور حائل و بی طرف باقی بماند؛ اما آمریکایی ها به تدریج داشتند این را نقض می کردند و کانون بحران در کنار مرزهای روسیه ایجاد می کردند.

ازطرف دیگر روس ها اطلاعات دقیق و جامعی در مورد مراکز و آزمایشگاه های تولید سلاح های بیولوژیکی در اوکراین جمع اموری کرده بودند که نشان می داد آمریکایی ها این آزمایشگاه ها را ایجاد و مدیریت کرده اند و از آنجایی که بیشتر این آزمایشگاه ها در کنار مرزهای اوکراین با روسیه ایجاد شده بود، برای روس ها یقین حلصل شده بود که هدف اول از تولید این سلاح های بیولوژیک، کشور روسیه می باشد.. روس ها از مدت ها پیش اولتیماتوم و هشدار می دادند و تهدید می کردند که این وضع را تحمل نخواهند کرد و از آمریکایی ها می خواستند که دست از این کارها بردارند، اما آمریکایی ها که به دنبال ایجاد کانون بحران بودند. در نهایت توجهی به خواسته روس ها نشد و روسیه جنگی را علیه اوکراین آغاز کرد تا مانع ضمیمه یا عضو شدن اوکراین به ناتو شده و آزمایشگاه های تولید سلاح های بیولوژیک را از بین ببرد.

البته جنگ در هر صورتی محکوم است. هیچ کس جنگ را پدیده مثبتی نمی داند. دفاع متفاوت از جنگ است و در مقابل هر جنگی مشروع است.

هر چند که ما این جنگ را تأیید نمی‌کنیم؛ چون اکثراً بیگناهان کشته می‌شوند و خرابی و ویرانی و هزاران مشکلات ایجاد می‌شود. ریشه این عملکرد تهدیدآمیز، تحریک‌آمیز و توسعه‌طلبانه هم مربوط به غرب و آمریکاست. اگر آمریکایی‌ها واقعاً به دنبال آرامش و ثبات در اروپا هستند این‌گونه زمامداران بی‌تجربه اوکراین را تحریک نمی‌کردند که بستر چنین جنگی را فراهم کنند.

**\* رهبر انقلاب در بخشی از صحبت‌هایشان به نژادپرستی غربی‌ها اشاره کردند که در ماجرای اوکراین بروز عجیبی داشت. ریشه این موضوع از دریچه تاریخی و نظری چه چیزی را بیان می‌کند؟**

**\* یکی از جنبه‌های جنگ اوکراین این است که نژادپرستی غربی‌ها را به صورت خیلی بارزی در مقاطع مختلف نشان داد. در گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی که خبرنگاران مختلف شبکه‌های خبری غربی از جنگ اوکراین تهیه می‌کردند واقعاً عجیب بود که به‌صراحت ابراز تعجب می‌کردند که دو طرف جنگ اروپایی‌اند و چطور چنین اتفاقی در اروپا افتاده است!!!! یعنی **جنگ را مختص کشورهای جهان سوم و عقب‌مانده می‌دانند** و چون فکر می‌کنند این دو کشور هر دو سفیدپوست و اروپایی‌اند، بنابراین، جنگ معنا ندارد. درحالی‌که **جنگ‌های جهانی و مهم در اروپا اتفاق افتاده است و بدترین سلاح‌هایی که ساخته شده****

**در جهان غرب است.** این‌ها را نادیده می‌گیرند، بعد با اظهارات نژادپرستانه بین خودشان و بقیه جهان خط‌کشی می‌کنند و خودشان را ملت‌های پیشرفته و بقیه مردم دنیا را ملت‌های عقب‌مانده قلمداد می‌کنند و بعد تعجب می‌کنند که چرا بین دو ملت پیشرفته جنگ شده است؟! اتفاقاً آن ملت‌هایی که این‌ها پیشرفته می‌دانند، جنایتکارانه‌ترین جنگ‌ها در بین آنها اتفاق افتاده است!

حتی آوارگان و پناهندگانی که سعی کردند از مهلکه این جنگ جان سالم به در ببرند با آن‌ها با تبعیض نژادی برخورد شد. پناهندگان سیاه‌پوست را از سفیدپوست جدا می‌کردند و هیچ نوع حمایتی از آن‌ها نکردند و هر نوع برنامه و کمکی می‌خواستند ارائه بدهند به سفیدپوست‌ها بود. این رفتارها از اروپایی‌هایی است که دم از دموکراسی و حقوق بشر می‌زنند! حقوق بشر مسئله‌ای عام هست و ربطی



**نژادپرستی غرب در اوکراین**

در اجرای اوکراین، نژادپرستی غرب را همه دیدند. قطار را نگه میدارند برای اینکه سیاه‌پوست را از قطار پناهندگان پیاده کنند.

© 2022

تالین

سخنرانی عمومی رهبر انقلاب  
خطاب به ملت ایران

به رنگ پوست فرد ندارد. هر بشری که حقوقش ضایع بشود باید از آن فرد حمایت کرد؛ اما در جنگ اوکراین دروغ بودن تمام این ادعاها علنی شد و آن‌ها، چهره واقعی خودشان را نشان دادند. ولی متأسفانه به این علت که رسانه‌ها در کنترل حاکمان زر و زور و تزویر است، نمی‌گذارند این صحنه‌ها را مردم دنیا به خوبی ببینند. رسانه‌های غربی با اخبار دیگری، این نژادپرستی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند و سعی می‌کنند که خودشان را محق جلوه بدهند که در حال کمک به ملت اوکراین کمک هستند و چهره یک ناجی را از خودشان ارائه می‌دهند؛ درحالی‌که آن‌ها خودشان مسبب جنگ‌اند و الآن هم با کمک‌هایی که اصلاً سرنوشت جنگ را هم تغییر نمی‌دهد، فقط سعی می‌کنند که به صورت منافقانه و با ریاکاری خودشان را حامی مظلوم جلوه بدهند، درحالی‌که اول ظالم، خودشان هستند.